

یهودیان و ایران در دوره هخامنشیان و رهایی از اسارت

کیارش یشایایی

اردیبهشت ۷۸

http://www.iranjewish.com/Essay/Essay175_2_hakhamanesh.htm

.....

در سال ۵۵۹ قبل از میلاد کوروش با فiq آمدن بر استیاکس و برچیدن سلسله ماد، پادشاهی بلا معارض و کشور قدرتمند دنیای قدیم را بنیاد نهاد. با تصرف شهر بابل و ادامه کشور گشایی این پادشاه سرزمینهای زیادی به قلمرو ایران ضمیمه شد که از جمله آنها می توان سرزمین مقدس و نیز نقاطی که یهودیان در آن به اسارت گرفته شده بودند، نام برد. به موجب فرمانی کلیه اسرا و افرادی که در قلمرو پادشاهی کوروش بودند آزاد و از هر گونه اذیت و آزاری مصون گشتند.

استوانه گلی که نوشته های آن حاوی فرمان کوروش می باشد کهن ترین سند کتبی از دادگستری و مراعات حقوق بشر در تاریخ و میه سرفرازی ایرانیان است. این لوح در سال ۱۸۷۹ میلادی توسط هرمز رسام در شهر بابل یافت شد و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می شود. ترجمه قسمتی از متن باقی مانده به این شرح است: "سربازان من بسیار دوستانه در بابل گام برمی داشتند، من نگذاشتم کسی (در جیبی) را در تمام سرزمین "سومر" و "اکد" ترساننده باشد. من (شهر) بابل و همه (دیگر) شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتم. درماندگان باشنده در بابل را که (نبوتید) یشان را به رغم خود دست خدیان یوغی داد بود که نه در خور یشان.

درماندگی هیشان را چاره کردم و یشان را از بیگاری رهانیدم" (۱)

در این زمان طی فرمان دیگری که در کتاب عزرا (از کتب مقدس یهود) از آن یاد شده است، کلیه یهودیان از اسارت رها گشتند و طی همین فرمان آزاد گذاشته شدند تا به اورشلیم رفته و خانه خدا را بازسازی نمایند. متن فرمان چنین است.

" کوروش پادشاه فارس چنین می فرمید که... خدی آسمانها، جمیع ممالک زمین را به من داده و مرا امر فرموده است که خانه یی که برای وی در اورشلیم در یهودا است بنا کنم * پس کیست از شما از تمامی قوم او که خدیش با وی باشد. او به اورشلیم که در یهودا است برود و خانه خدا را که خدی اسرائیل حقیقی است بنا نماید (۲).

کوروش همچنین ظروف و وسیل گرانبھی اورشلیم را که بخت النصر غارت کرده بود جمع آوری نمود و به اورشلیم بازگرداند. (۳)

با صدور فرمان کوروش تعدادی از یهودیان تحت سرپرستی زروبابل رهسپار سرزمین مقدس شدند. (۴) به غیر از این تعداد که جدی از خدم و هشتم خود چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر بودند (۵) عده‌ی از یهودیان هم که داری موقعیتهی اقتصادی و اجتماعی شده بودند، ترجیح دادند در بابل باقی بمانند. این عده که در ینده هسته مرکزی یهودیان ایران را تشکیل دادند، بعداً از مرکزشان که بابل بود به یالات داخلی پارس کوچ کردند. از این مناطق می‌توان اکباتان و شوش را نام برد. (۶)

واقعه پوریم:

جشن پوریم علاوه بر جیگاه خاص مذهبی در میان یهودیان جهان، نشانه‌ی از همنشینی بسیار کهن و ریشه‌دار میان این قوم و ایرانیان است. این واقعه در حدود ۲۴۰۰ قرن پیش (۲۵۵ قبل از میلاد) در کشور ایران، در دوره‌ی که انبوه یهودیان در ایران زندگی می‌کردند و در زمان پادشاهی خشیارشاه رخ داده است (۷) همه ساله در چهاردهم آدار به جهت رهایی یهودیان از کشتاری که برای آنان تدارک دیده شده بود مراسمی در سراسر جهان برگزار می‌گردد. (۸) آرامگاه استر و مردخی که مسبب اصلی نجات یهودیان از این توطئه بودند هم اکنون در همدان زیارتگاه کلیمیان ایران می‌باشد.

ادامه ساختمان بیت همیقداش:

ساختن بنی بیت همیقداش در زمان کوروش و داریوش اول ادامه یافت. ولی در زمان سلطنت اردشیر اول (ارتخشستا) سخن چینی و دسیسه اقوام مخالف یهودیان در نزد این پادشاه مؤثر واقع شد و اردشیر اول طی فرمانی از ادامه آبادانی معبد مقدس (بیت همیقداش) جلوگیری نمود (۹)

پس از به سلطنت رسیدن داریوش دوم این پادشاه بنا بر فرمان کوروش که در کتابخانه بابل یافت گردید، مجدداً دستور ادامه ساختمان بیت همیقداش را صادر نمود. (۱۰)

" و به کار این خانه خدا معترض نباشید. اما حاکم یهود و مشیخ یهودیان این خانه خدا را در جیش بنا نمیند* و فرمانی نیز از من صادر شده است که شما ب این مشیخ یهود به جهت بنا نمودن این خانه خدا چگونه رفتار نمائید. از مال خاص پادشاه یعنی از مالیات ماوری نهر خرج به این مردمان بلاتأخیر داده شود تا معطل نباشند* و میحتاج ایشان را از گاوان و قوچها و بره‌ها به جهت قربانی‌هی سوختنی برای حدی آسمان و گندم و شراب و روغن بر حسب قول کاهنانی که در اورشلیم هستند روز به روز بی کم و زیاد داده شود* تا آنکه هدیی خوشبو برای حدی آسمان بگذرانند. و به جهت عمر پادشاه و پسرانش دعا نمیند* و دیگر فرمانی از من صادر شد که هر کس که این حکم را تبدیل نمید از خانه او تیری گرفته شود و بر آن آویخته و مصلوب گردد و خانه او سبب این عمل مزبله بشود* و آن خدا که نام خود را در آنجا ساکن گردانیده است هر پادشاه یا قوم را که دست خود را برای تبدیل این امر و خرابی خانه خدا که در اورشلیم است دراز نمید هلاک سازد. من داریوش این حکم را صادر فرمودم پس این عمل بلاتأخیر انجام شود." (۱۱)

ساختمان بیت همیقداش دوم در سوم آدار در سال ششم پادشاهی داریوش پادشاه به اتمام رسید. (۱۲)

عزرا و نحمیا بزرگان دربار اردشیر دوم:

"عزرا دانشمندی بزرگ و در قوانین مذهبی یهود بی‌همتا بود. نحمیا هم از بزرگان دربار اردشیر از مردان سیاسی و دوستدار سرزمین مقدس بود.

کوشش این دو مرد چنان وضع سیاسی و دینی یهودیان جهان را در آن روزگار دگرگون ساخت که اثراتش تا امروز به جاست. تغییرات و تحولاتی که این دو مرد نامدار در زمینه‌های سیاسی و مذهبی پدید آوردند، از یهودیان مردمی ساخت که توانستند داری آئین و ادبیاتی جاویدان باشند. آنها کتاب مدس و ادبیات بنی‌اسرائیل را گردآوری کردند و زبان عبری را از فراموشی رهائی بخشیدند و انجام این کارها تنها، نتیجه آسایش و آرامشی بود که از پرتو شکوهمند شاهنشاهی هخامنشیان بدست آورده بودند" (۱۳)

در اثر حضور این دو پیامبر در شوش و به واسطه احترامی که نزد پادشاه ایران داشتند فرامین مساعدی برای یهودیان صادر گردید و آنها آزاد گذاشته شدند تا به سرزمین مقدس بروند و از کمکهی این پادشاه برخوردار شدند (۱۴)

اردشیر سوم :

در زمان پادشاهی اردشیر سوم، این پادشاه یهودیان را وادار به پرستش رب‌النوع آنهایتا نمود. (۱۵) به دنبال این فرمان در سال‌های ۲۵۸ تا ۳۳۸ قبل از میلاد یهودیان سر به شورش برداشتند و در نقاط دیگری از ایران پراکنده شدند که شامل هیرکانیا و نقاط دیگری در جنوب ایران فعلی از جمله شوسیان می‌باشد (۱۶)

دانیال نبی :

حضرت دانیال نبی از پیامبران بنی اسرائیل می‌باشد که آرامگاهش در شهر شوش خوزستان و زیارتگاه مردم ایران می‌باشد.

این شخص فردی از اسیران یهودا بود که به سبب حکمت و دانش خود و تعبیر خواب‌های بخت‌النصر جیگاه ویژه‌ی در نظر این پادشاه پیدا کرد و رئیس رؤسی جمیع حکمی بابل گردید.

در زمان بَلْشَصْر (پسر بخت‌النصر) در ضیافتی که این پادشاه ترتیب داده‌بود ناگهان انگشتان دست انسانی بیرون آمد و بر دیوار مطالبی نوشت که حضرت دانیال آن نوشته‌ها را خواند و تفسیر نمود:

"خداوند سلطنت تورا به انتها رسانده. سلطنت تو تقسیم گشته به مادیان و پارسیان بخشیده شده‌است. گفته‌اند که در همان شب بَلْشَصْر پادشاه کلدانیان کشته شد (۱۷)

دانیال در دربار داریوش:

"و داریوش مادی در حالیکه شصت و دو ساله بود سلطنت را دریافت* و داریوش مصلحت دانست که صدویست والی بر مملکت نصب نماید تا بر تمامی مملکت باشند* و بر آنها سه وزیر که یکی از ایشان دانیال بود تا آن والیان به ایشان حساب دهند و هیچ فردی به پادشاه نرسد* پس این دانیال بر سیر وزرا و والیان تفوق جست زیرا که روح فاضل در او بود و پادشاه اراده داشت او را بر تمام مملکت نصب نماید* (۱۸) این داستان با سخن‌چینی و دسیسه سیر وزرا

نسبت به دانیال ادامه می‌یابد تا آنجا که پادشاه را مجبور به صدور و امضای حکمی کردند که به موجب آن هر شخصی که تا سی روز از حدی یا انسانی سوی داریوش مسئلتی نماید در چاه شیران افکنده شود. دانیال به فرمان واقعی نهاد و هر روز سه مرتبه خود را عبادت می‌کرد. پس آن اشخاص به پادشاه اطلاع دادند و پادشاه از امضای فرمان سخت پشیمان و عصبانی گشت. اما به موجب قانون مادیان و فارسیان حکم غیرقابل برگشت بود. دانیال يك شب را در چاه میان شیران به سر برد و بامداد روز بعد بدون هیچ صدمه و آزاری از چاه خارج گردید. داریوش اشخاصی را که از دانیال شکیت کرده بودند، به همراه خانواده آنان در چاه شیران افکند و آنان طعمه شیران گشتند (۱۹)

"اوست که نجات می‌دهد و می‌رهاند و یات عجیب را در آسمان و زمین ظاهر می‌سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است*" پس این دانیال در سلطنت داریوش و سلطنت کوروش فارسی پیروز می‌بود* (۲۰)

پی نوشت:

(۱) عبدالمجید ارفعی (۱۳۵۶) "فرمان کوروش بزرگ"

(۲) کتاب عزرا (۱: ۲-۳)

(۳) همان منبع (۱: ۷-۱۱)

(۴) همان منبع (۲: ۱)

(۵) همان منبع (۲: ۶۵)

(۶) 973

(۷) ماهنامه بینا فروردین ۱۳۷۸

(۸) 1973

(۹) کتاب عزرا (باب چهارم)

(۱۰) کتاب عزرا (باب ششم)

(۱۱) همان منبع (۶: ۱۳-۸)

(۱۲) همان منبع (۶: ۱۴-۱۵)

(۱۳) محمد قائمی (۱۳۴۹) "هخامنشیان در تورات"

(۱۴) نگاه کنید به کتاب عزرا باب هفتم و کتاب نحمیا باب دوم

۱۵) حبیب لوی، تاریخ یهودیان ایران ج ۱

۱۶) (1973) -

۱۷) دانیال نبی باب اول تا ششم (با تلخیص)

۱۸) همان منبع (۶: ۱-۵)

۱۹) همان منبع (باب ششم با تلخیص)

۲۰) همان منبع (۶: ۲۸-۲۹)